Payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۳۰۸۶
دوشنبه / ۲۰ مهر / ۱۴۰۵
۱ / جمادی الاول / ۱۴۴۸
12 / October / 2026

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: ابافره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۲۸-۳۲۵۳۴۲۴۲-۰۲۶۰ دکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

فال ۴۲۷ امروز با حافظ

صبا ز منزل جانان گذر دریغ مدار
وز او به عاشق بی‌دل خبر دریغ مدار
به شکر آن که شکفتی به کام بخت ای گل
نسیم وصل ز مرغ سحر دریغ مدار

فرازها

در ازل بود که پیمان محبت بستند
نشکند مرد اگرش سر برود پیمان را

سعدی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۴۷	۰۶:۱۱	۱۱:۵۲	۱۷:۳۳	۱۷:۵۲

برگه

زندگی، درست مانند هنر، نیاز به صبر، تمرکز و دقت دارد...

پابلو پیکاسو

گزارش روز

هر آن چیزی که باید از انتخابات کنگره بدانید

نظرسنجی‌ها از احتمال ازدست‌رفتن کنترل کنگره به دست جمهوری‌خواهان خبر می‌دهند، اما حزب ترامپ یک استدلال مهم دارد: همین نظرسنجی‌ها در انتخابات گذشته نیز حمایت از او را کمتر از واقعیت نشان داده بودند. این بار آیا تاریخ تکرار می‌شود یا دموکرات‌ها واقعاً در آستانه تصاحب کنگره هستند؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از عصر ایران، کمتر از یک ماه تا انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا باقی مانده و نظرسنجی‌ها از احتمال از دست رفتن کنترل کنگره به‌دست جمهوری‌خواهان حکایت دارند. دموکرات‌ها امیدوارند با کسب اکثریت در مجلس نمایندگان و سنا، قدرت دونالد ترامپ برای پیشبرد برنامه‌هایش را محدود کنند.

نظرسنجی‌های اخیر در ایالت‌های رقابتی و حتی برخی ایالت‌هــای عموماً جمهوری‌خــواه، تصویر نگران‌کننده‌ای برای حزب ترامپ ترسیم کرده‌اند. در مقابل، بخشی از جمهوری‌خواهان معتقدند این نتایج ممکن است بیش از آنکه بازتاب‌دهنده واقعیت انتخاباتی باشند، حاصل خطاهای آماری و روش‌های نادرست نمونه‌گیری باشند.

اهمیت این اختلاف زمانی روشن می‌شود که بدانیم حتــی خطایی نه‌چندان بزرگ در نظرســنجی‌ها می‌تواند نتیجه انتخابات را تغییر دهد و تعیین کند که جمهوری‌خواهان کنترل کنگره را حفظ می‌کنند یا دموکرات‌ها در هر دو مجلس به اکثریت می‌رسند. پیش از هر چیز باید بدانیم تا درباره دو مجلس کمی بنویسیم، کنگره آمریکا نهاد اصلی قانون‌گذاری این کشور است و از دو بخش تشکیل می‌شود: مجلس نمایندگان و سنا. مجلس نمایندگان ۴۳۵ عضو دارد که بر اساس جمعیت ایالت‌ها انتخاب می‌شوند، اما هر ایالت، چه پرجمعیت باشد و چه کم‌جمعیت، دو سناتور در سنا دارد. وظیفه کنگره تصویب قوانین و بودجه، نظارت بر دولت و بررســی تصمیم‌های رئیس‌جمهور است. به همین دلیل، اینکه کدام حزب اکثریت مجلس نمایندگان و سنا را در اختیار داشته باشد، اهمیت زیادی دارد؛ زیرا می‌تواند مسیر تصویب برنامه‌های دولت دونالد ترامپ را هموار کند یا در برابر آن‌ها مانع ایجاد کند.

دموکرات‌ها در مجلــس نمایندگان پیش هستند

بر اســاس میانگین نظرســنجی‌های وب‌سایت ریل‌کلیرپالیتیکس، دموکرات‌ها در رقابت سراسری برای مجلس نمایندگان با ۴۹.۸ درصد در برابر ۴۱.۹ درصد از جمهوری‌خواهان پیش هستند.

مؤسســه کوک پولیتیکال ریپورت نیز پیش‌بینی کرده است که دموکرات‌ها ممکن است بین ۹ تا ۱۹ کرسی به‌دست بیاورند. چنین افزایشی می‌تواند برای تصاحب اکثریت مجلس نمایندگان کافی باشد.

اگر این پیش‌بینی محقق شود، ترامپ برای تصویب قوانین و پیشــبرد بخش مهمی از برنامه‌های داخلی خود با مانع جدی‌تری روبه‌رو خواهد شد؛ زیرا کنترل مجلس نمایندگان به حزب مخالف اجازه می‌دهد در روند قانون‌گذاری و نظارت بر دولت نقش پررنگ‌تری ایفا کند.

رقابت سنا: چهار کرسی تا تغییر کنترل

وضعیت ســنا پیچیده‌تر اســت. در حال حاضر، جمهوری‌خواهان ۵۳ کرســی دارند و دو ســناتور مستقل نیز معمولاً همراه دموکرات‌ها رأی می‌دهند. با احتساب این دو سناتور مستقل، ائتلاف دموکرات‌ها ۴۷ کرسی در اختیار دارد.

بر اساس ارزیابی مؤسسه کوک، دموکرات‌ها ممکن اســت در انتخابات پیش رو بین دو تا شش کرسی خالص به دســت بیاورند. منظور از کرسی خالص، تفاوت میان تعداد کرسی‌هایی است که یک حزب از رقیب می‌گیرد و تعداد کرســی‌هایی که خودش از دست می‌دهد.

اگر دموکرات‌ها دو کرسی خالص به دست بیاورند، تعداد کرســی‌های ائتلاف آن‌ها به ۴۹ می‌رسد و جمهوری‌خواهان کنترل سنا را حفظ می‌کنند. اگر این افزایش به چهار کرسی برسد، ائتلاف دموکرات‌ها به ۵۱ کرســی می‌رســد و کنترل سنا را به دست می‌گیرد. کسب شش کرسی خالص نیز اکثریت این ائتلاف را به ۵۳ کرسی می‌رساند.

مؤسســه کوک اکنون احتمال کسب دو تا شش کرسی خالص بیشــتر را برای دموکرات‌ها در نظر گرفته است؛ بازه‌ای که هم امکان حفظ سنا به دست جمهوری‌خواهان و هم احتمال تصاحب آن به دست دموکرات‌ها را در بر می‌گیرد.

یکی از تحــولات مهم در این رقابت، تغییر ارزیابی رقابــت ســنای ایالت کانزاس اســت. مؤسســه کــوک این رقابت را در دســته انتخابات نزدیک و غیرقابل‌پیش‌بینی قرار داده است. کانزاس معمولاً پایگاه انتخاباتی جمهوری‌خواهان محسوب می‌شود و رقابتی شدن این کرسی می‌تواند محاسبات دو حزب را تغییر دهد.

محبوبیت ترامپ: مسئله‌ای فراتر از رقابت‌های ایالتی

وضعیت نامساعد جمهوری‌خواهان تنها به رقابت‌های کنگره محدود نمی‌شود. بر اساس شاخص نظرسنجی مؤسســه کوک، میزان تأیید عملکرد ترامپ ۳۷.۶ درصد است. در نظرسنجی اخیر اکونومیست نیز ۳۵ درصد از پاسخ‌دهندگان عملکرد او را تأیید کرده‌اند، در حالی که ۶۰ درصد با آن مخالف بوده‌اند.

ایــن ارقام نشــان می‌دهد ترامــپ وارد مرحله‌ای حســاس از ریاست‌جمهوری خود شــده است. در انتخابات میان‌دوره‌ای، رأی‌دهندگان معمولاً علاوه بر نامزدهای محلی، عملکرد رئیس‌جمهور و شرایط کلی کشور را نیز ارزیابی می‌کنند. بنابراین، میزان رضایت از رئیس‌جمهور می‌تواند بر عملکرد حزب او در رقابت‌های کنگره اثر بگذارد.

چرا جمهوری‌خواهان به نظرسنجی‌ها اعتماد ندارند؟

یکی از دلایل تردید جمهوری‌خواهان این اســت که نظرسنجی‌ها در سه انتخابات ریاست‌جمهوری سال‌های ۲۰۱۶، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۴ حمایت از ترامپ را کمتر از میزان واقعی آن برآورد کردند.

با این حال، نظرسنجی‌های انتخابات میان‌دوره‌ای معمولاً دقیق‌تر بوده‌اند؛ هرچند در سال ۲۰۲۲ نیز برخی نظرسنجی‌ها حمایت از جمهوری‌خواهان را کمتر از واقعیت نشان دادند.

اصلاح نظرسنجی‌ها هم می‌تواند نتیجه را منحرف کند

مشــکل اینجاســت که افزایش وزن پاســخ‌های جمهوری‌خواهان نیز لزوماً به دقیق‌تر شدن نتیجه منجر نمی‌شود.

متیو تایلر، اســتادیار علوم سیاسی دانشگاه رایس، می‌گوید این روش بر این فرض اســتوار است که نتیجه را از واقعیت دورتر کند. برای مثال، جمهوری‌خواهانی که حاضر به شرکت در نظرسنجی می‌شوند، از نظر رفتار سیاسی به جمهوری‌خواهانی شباهت دارند که به سؤالات پاسخ نمی‌دهند.

اگر این فرض درســت نباشد، اصلاح آماری ممکن اســت نتیجه را از واقعیت دورتر کند. برای مثال، جمهوری‌خواهانی که حاضر به پاسخ‌گویی هستند ممکن است از نظر تمایل به رأی دادن به دموکرات‌ها یا جمهوری‌خواهانی که در نظرســنجی‌ها شرکت نمی‌کنند تفاوت داشته باشند. در چنین شرایطی، افزایش وزن پاسخ‌های گروه نخست می‌تواند برتری دموکرات‌ها را بیشتر از میزان واقعی نشان دهد.

به همین دلیل، اختلاف میان نتیجه نظرسنجی‌ها و نتیجه انتخابات گذشته به‌تنهایی ثابت نمی‌کند که این بار نیز نظرســنجی‌ها اشتباه خواهند کرد. ممکن است روش‌های آماری اصلاح شده باشند، اما همچنان احتمال خطا وجود دارد.

مســئله تعیین‌کننده: چه کسانی واقعاً رأی می‌دهند؟

حتی اگر نظرســنجی‌ها بتوانند نظــر عمومی را به‌درستی اندازه‌گیری کنند، باز هم باید تشخیص دهند چه کسانی در روز انتخابات پای صندوق رأی حاضر خواهند شد.

داگلاس ریور، دانشــمند ارشد مؤسسه یوگاو، در یک نظرسنجی ماه سپتامبر به نتایج متفاوتی رسید. برتری دموکرات‌ها بسته به روشی که برای شناسایی رأی‌دهندگان احتمالی استفاده می‌شد، بین ۶ تا ۱۶ واحد درصد تغییر می‌کرد. ریور حاشیه ۱۶ واحد درصدی را تقریباً به‌طور قطع بیش از میزان واقعی دانست.

این تفاوت نشــان می‌دهد که نتیجه نظرسنجی تنها به پاســخ افراد وابسته نیست؛ بلکه به این هم بستگی دارد که مؤسسه نظرسنجی چه کسانی را در محاسبات نهایی خود وارد می‌کند. فردی ممکن است در نظرســنجی بگوید از یک نامزد حمایت می‌کند، اما در نهایت در انتخابات شرکت نکند. اگر نظرســنج نتواند این تفاوت را به‌درستی تشخیص دهد، نتیجه پیش‌بینی‌شده ممکن است تغییر کند.

آیا جمهوری‌خواهان می‌توانند از تکرار گذشته سود ببرند؟

باوجود همه این تردیدها، بیشتر نظرسنج‌ها معتقدند دموکرات‌ها در آستانه انتخابات از موقعیت بهتری برخوردارند. البته برتری در نظرســنجی به معنای پیروزی قطعی نیست و نتیجه نهایی به مشارکت رأی‌دهندگان و رقابت‌هــای نزدیک در ایالت‌های مختلف بستگی دارد.

بوکانان در اشاره به امید برخی جمهوری‌خواهان به خطای نظرسنجی‌ها می‌گوید: «اینکه امیدمان را به این بسته‌ایم که نظرسنجی‌ها اشتباه هستند، خودش نکته معناداری اســت. این امید چندان پشــتوانه محکمی ندارد.»

در نهایت، انتخابات میان‌دوره‌ای پیش رو دو پرسش را مطرح می‌کند: آیا نظرسنجی‌ها بار دیگر حمایت از جمهوری‌خواهان را کمتر از واقعیت برآورد کرده‌اند؟ یا این بار نشانه‌های یک تغییر سیاسی واقعی را ثبت می‌کنند؟

اشاره

آینده را از کودکی سرمایه‌گذاری کنیم

نجمه سیددخت- کــودک، دنیایی است سرشار از پرســش، هیجان، حرکت و کشف؛ جهانی که در آن همه چیز برایش تازگــی دارد. از همان لحظه‌ای که چشم به جهان می‌گشــاید، در حال آموختن است؛ نگاه می‌کند، می‌پرسد، لمس می‌کند، تقلید می‌کند، می‌آزماید، می‌آموزد و از محیــط پیرامون خود الگو می‌گیرد. بسیاری از آنچه بزرگسالان شاید رفتارهایی ساده و روزمره تصور کنند، برای کودک قطعه‌ای از پازل شخصیت آینده‌اوست.

کارشناسان معتقدند شخصیت، اعتمادبه‌نفس، شیوهٔ ارتباط با دیگران، قدرت حل مسئله، احساس مسئولیت، نوع نگاه به جهان و حتی بسیاری از الگوهای رفتاری انسان در سال‌های نخست زندگی شکل می‌گیرد.

ژان پیاژه، روانشناس فرانســوی، کودک را موجودی منفعل نمی‌داند که صرفاً اطلاعات را از بزرگســال دریافت می‌کند؛ بلکه معتقد اســت کودک در فرایند رشد، جهان را می‌سازد و بازسازی می‌کند. ماریا مونته سوری نویسنده و معلم ایتالیایی نیز بر این باور است که آموزش واقعی زمانی شکل می‌گیرد که محیط، فرصت تجربه، انتخاب و رشد استقلال را برای کودک فراهم کند. به تعبیر معروف او، کودک «سازندهٔ انسان آینده» است؛ بنابراین کیفیت محیطی که کودک در آن رشد می‌کند، اهمیت به سزایی دارد.

هر جامعه‌ای در حقیقت آیندهٔ خود را در کلاس‌های درس، زمین‌های بازی، کتابخانه‌ها، خانه‌ها و حتی در نوع گفت‌وگویی که امروز با کودکان دارد، می‌ســازد. جامعه‌ای که کودک خود را جدی نگیرد، در واقع آیندهٔ خویش را تباه کرده است.

از سوی دیگر، کودک امروز با کودکی که پنجاه سال پیش در کوچه‌های شهرها و روستاها بزرگ می‌شد، تفاوت بنیادین دارد. کودک نیم قرن پیش بخش بزرگی از جهان خود را از طریق تجربهٔ مستقیم می‌شناخت: کوچه، حیــاط، مدرســه، مکتب خانــه، بازی‌های گروهی، قصه‌های مادربزرگ‌ها و پدربزرگ‌ها و ارتباط چهره‌به‌چهره با همســالان و بازی‌های محلی مانند هفت‌سنگ، گرگم‌به‌هوا، قایم‌باشک و بازی‌های گروهی و کودک در جریان آنها همکاری، رقابت، نوبت، شکست، پیــروزی، مذاکره و حل اختلاف را تجربه می‌کرد؛ اما امروز بخشــی از این تجربه‌ها جــای خود را به تلفن هوشمند، تبلت، بازی‌های رایانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی و محتــوای ویدئویی داده و این صفحات نمایشــی، پنجره‌هایی تازه به روی کودکان گشــوده‌اند. کودک امروز در سنین پایین‌تر از گذشته با حجم عظیمی از اطلاعات مواجه است؛ اطلاعاتی که گاه حتی بزرگسالان نیز توان مدیریت و تحلیل همهٔ آنها را ندارند؛ از این رو شیوهٔ آموزش نیز باید به نسبت این تحولات تغییر کند؛ بنابراین تربیت کودک امروز با الگوهای پنجاه سال پیش ممکن نیست؛ همان گونه که نمی‌توان کودک امروز را با معیارهای کودک دیروز سنجید.

امروز با گسترش نظام آموزش رسمی به جای مکتب خانه، مدرسه به مهم‌ترین نهاد آموزش عمومی تبدیل شده و ساختار تازه‌ای را برای تربیت نسل‌های جدید ایجاد کرده اســت؛ بنابراین نقش مدرسه نیز باید از انتقال صرف اطلاعات به پرورش قدرت اندیشــیدن، پرسشگری، خلاقیت، مهارت اجتماعی، سواد رسانه‌ای و توان حل مسئله تغییر کند.

اگر کودک دیروز باید می‌آموخت «چه چیزی بداند»، کــودک امروز بیش از هر زمــان دیگری باید بیاموزد چگونه بیندیشد، چگونه انتخاب کند و چگونه میان اطلاعات درست و نادرست تمایز بگذارد.

در چنین شرایطی والدین باید بدانند کودک بیش از آنکه از سخنان آنان بیاموزد، از رفتار آنان می‌آموزد. اگر از کودک صداقت می‌خواهیم، باید صداقت را زندگی کنیم؛ اگر احترام می‌خواهیم، باید با او محترمانه رفتار کنیم؛ و اگر می‌خواهیم کتاب بخواند، نمی‌توان تمام وقت خود را صرف صفحهٔ تلفن همراه کرد.

ناگفته نماند مسئولیت تربیت کودک فقط بر دوش خانواده و وزارت آموزش و پرورش نیســت. مدرســه بخشــی از منظومهٔ تربیتی است و جامعه نیز باید در کنار آن قرار گیرد. در این میان کانون پرورش فکری کــودکان و نوجوانان، کتابخانه‌های عمومی و کودک، شهرداری‌ها و فرهنگســراها، سازمان بهزیستی، سازمان ملی تعلیم و تربیت کــودک، وزارت ورزش و جوانان، سمن‌ها و انجمن‌های فرهنگی و هنری، مراکز علمی و پژوهشی و نهادهای مرتبط با محیط زیست و ورزش، هرکدام بخشی از استعدادهای کودکان را شناسایی و شکوفا می‌کنند. هرچند نقش کتابخانه، هنر، ورزش، موسیقی، تئاتر کودک، طبیعت و فعالیت‌های گروهی را نباید دست‌کم گرفت. استعداد کودک همیشه در امتحان ریاضی و علوم آشــکار نمی‌شود؛ یکی ممکن است نویســندهٔ آینده باشد، دیگری مهندس، دیگری ورزشکار، دیگری هنرمند، پژوهشگر، کتابدار، کارآفرین یا معلم.

کودک امروز، شهروند فرداست. آنچه امروز در ذهن و شخصیت او کاشته می‌شود، فردا در رفتار اجتماعی، فرهنگ عمومی، اقتصاد، سیاست، علم و روابط انسانی جامعه آشکار خواهد شــد. اگر کودکی را با خشونت بزرگ کنیم، خشــونت را بازتولیــد خواهد کرد؛ اگر او را با گفت‌وگو، مســئولیت‌پذیری و احترام پرورش دهیم، جامعه‌ای گفت‌وگومحور تر خواهیم داشت. اگر پرســش‌هایش را خاموش کنیم، شاید شهروندی مطیع اما کم‌خلاقیت تحویل جامعه دهیم و اگر پرسشگری او را پرورش دهیم، امکان ظهور نسلی خلاق‌تر و نقادتر را افزایش داده‌ایم. از این منظر، ســرمایه‌گذاری برای کودک، ساختن مدرسه، تجهیز کتابخانه، ایجاد فضای ورزشی، توســعهٔ آموزش هنر، حمایت از خانواده‌ها، آموزش والدین، تأمین ســلامت روان و جسم کودک و فراهم کردن دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی، هزینهٔ مصرفی نیســت؛ ســرمایه‌گذاری بلندمدت اجتماعی اســت. کودک، نه فقط آیندهٔ یک خانواده، بلکه آیندهٔ یک شــهر، یک استان و یک کشور است. به همین دلیل باید به کودک فرصت داد، صدایش را شنید، استعدادش را کشف کرد، از او در برابر آسیب‌ها محافظت کرد و مهم‌تر از همه، به او اعتماد کرد.

اما چرا روز جهانی کودک و مســئلهٔ حقوق کودک؛ پس از تحولات بزرگ اجتماعی و انسانی قرن بیستم و به‌ویژه تجربهٔ جنگ‌ها و آســیب‌هایی که کودکان متحمل شــدند، بــه یکی از موضوعــات مهم نظام بین‌الملل تبدیل شد؟ اعلامیهٔ حقوق کودک و سپس کنوانســیون حقوق کودک، نگاه جهان را از «کودک به‌عنوان فردی نیازمند مراقبت» به «کودک به‌عنوان انسانی دارای حق» نزدیک‌تر کرد. کودک فقط کسی نیست که باید برای او تصمیم گرفت؛ او انسانی است که باید شنیده شود، فرصت رشد داشته باشد، از امنیت برخوردار باشد و متناسب با سن و توانایی‌اش در امور مربوط به خود مشــارکت کنــد. روز جهانی کودک در جهان ۲۰ نوامبر اســت؛ امــا در ایران، در مهرماه، برنامه‌های مرتبط با کودکان در قالب هفتهٔ ملی کودک برگزار می‌شود؛ مهر، ماه بازگشایی مدارس و آغاز سال تحصیلی است و کودکان در این ماه بیش از هر زمان دیگری در کانون توجه خانواده، مدرسه و جامعه قرار می‌گیرند. از همیــن رو، ایران به جای محدود کردن توجه به کودکان در یک روز، این مناسبت را در قالب یک هفتهٔ فرهنگی و آموزشی گرامی می‌دارد و فلسفهٔ شکل‌گیری آن، توجه به حقوق، رفاه، امنیت، آموزش و سلامت کودکان است.